

جامعه ما به قاضی زن نیاز دارد

خانم میمنت چوبک را در سمت معاونت اداره سرپرستی شناختم. او اولین زن ایرانی بود که حکم قضاوت گرفت و سالها در دادگستری کشورمان خدمت کرد. بارها تقاضای مصاحبه‌مان را رد کرد تا اینکه موفق شدیم پس از سالها رضایت او را برای مصاحبه جلب کنیم.

- برای آشنایی خوانندگان مجله، لطفاً از خودتان و سابقه کارتان بگویید.

- در سال ۱۳۲۳ در خانواده‌ای قدیمی و حقوقدان در بوشهر متولد شدم و به لحاظ اینکه پدرم عبدالخالق چوبک وکیل دادگستری بودند از دوران طفولیت با مفاهیم حقوقی آشنا شدم و تصمیم گرفتم راه پدر را دنبال کنم. دوران ابتدایی و دبیرستان را در بوشهر و شیراز گذراندم. در سال ۱۳۴۲ در کنکور سراسری شرکت کردم و در رشته حقوق قضایی دانشکده حقوق دانشگاه تهران قبول شدم. در سال ۱۳۴۶ موفق به اخذ لیسانس حقوق قضایی شدم و در سال ۱۳۵۱ موفق به اخذ درجه فوق لیسانس علوم جزا از دانشگاه ملی ایران شهید بهشتی فعلی گردیدم. حین تحصیل حقوق در دوران اخذ لیسانس چیزی که فکر مرا به خود مشغول کرد آن بود که پسران دانشکده از سال سوم برای کارآموزی به دادگستری معرفی می‌شدند ولی دختران از این حق محروم بودند. با تلاش و پیگیریهای فراوانی موفق شدیم ما دختران نیز برای کارآموزی به دادگستری برویم. تعداد ما ۹ نفر بود. اما برخلاف پسران دانشجوی رشته حقوق نه در دادگاه بلکه در دفاتر دادگاه، اینجا یک تبعیض بین ما و آقایان بود ولی مهم نبود، مهم این بود که سز ترک برداشته بود هر چند که انگیزه من از تحصیل حقوق این بود که راه پدر و پدربزرگم را که وکیل دادگستری بودند ادامه بدهم و به جامعه مقدس وکالت دادگستری درآیم اما سد دیگری به همت خانمهای فارغ التحصیل سال ۱۳۴۶ که من هم افتخار حضور در این گروه را داشتم شکسته شد و آن جواز ورود خانمها به کادر قضایی بود که تا قبل از آن سال امکان آن وجود نداشت. حدود یکسال تلاش کردیم یعنی از حدود سال ۴۶ تا ۴۷ که بالاخره موفق شدیم در امتحان ورودی برای کارآموزی قضایی شرکت کنیم. تعداد زیادی از خانمها در کنکور ورودی شرکت کردند که پنج نفر

● لازم است در زمینه قضاوت زنان مطالعات فقهی صورت گیرد تا صحیح ترین راه انتخاب شود.

● اولین ابلاغی که برای یک زن در تاریخ قضایی ایران صادر شد برای من بود.

● به نظر من باید بند ب از طبقه چهارم ماده ۲۲۶ قانون امور حسبی اصلاح شود چون مهریه را تا مبلغ ده هزار ریال جزء دیون ممتاز می‌داند.

برگزیده شدند و یکی از آنها من بودم. یکسال دوره کارآموزی داشتیم. صبح‌ها در داسرا، دادگاه بخش، دادگاه شهرستان اعم از دادگاه جنحه و حقوقی، اطفال و حمایت از خانواده و هم چنین پزشکی قانونی. بعد از ظهرها در کلاس به صورت علمی زیر نظر قضات با تجربه دادگستری به تحصیل اشتغال داشتیم. در پایان یکسال امتحان به عمل آمد که من بین همدوره‌های خود نفر چهارم و بین خانمها رتبه اول را کسب کردم. نخستین ابلاغی که برای یک زن در تاریخ قضایی ایران در سال ۱۳۴۸ صادر شد برای من بود که به عنوان دادرسی دادگاه بخش تهران شروع به کار کردم. بعد از آن سمتهایی که داشتم: دادیار دادرسی عمومی تهران در اداره امور سرپرستی که بعد از چند سال ابلاغ معاونت اداره سرپرستی تهران برای من به عنوان اولین زن صادر شد. در سال ۱۳۵۵ به عنوان اولین زن بازپرس و تنها زنی که در ایران این مقام را احراز نموده است، منصوب شدم. در سال ۱۳۵۹ به عنوان مستشار اداره حقوقی قوه قضائیه و پس از آن مأمور خدمت در شورای سرپرستی زندانها و مجدداً به عنوان مشاور امور مجبورین در اداره امور سرپرستی و بعد معاونت اداره امور سرپرستی

و بعد از آن مستشار اداره حقوقی و در حال حاضر هم به عنوان مشاور دیوان عدالت اداری مامور خدمت در اداره حقوقی قوه قضائیه هستم.

- با توجه به اینکه شما اولین زن قاضی ایران هستید نظراتان راجع به قضاوت زنان چیست؟

- بله، من اولین زنی هستم که در تاریخ قضایی دادگستری ایران ابلاغ دادرسی دادگاه بخش تهران را که قاضی تصدی کننده محکمه است برای من صادر شده است و در تاریخ ۷۷/۴/۲۷ دقیقاً سی سال خدمت قضایی من به پایان می‌رسد. قضاوت شغل بسیار حساس و دقیقی است که به صبر و حوصله، بینش و تیزبینی، دانش، درایت، بیطرفی، تقوا، سرعت، تعهد و سلامت اندیشه احتیاج دارد. زنانی که وارد کادر قضایی شده‌اند به خوبی نشان داده‌اند که از عهده این مهم برمی‌آیند و توان آن را دارند که حق را از باطل تشخیص دهند. برخی می‌پندارند که یک زن نمی‌تواند قاضی باشد چون تابع احساس است. به نظر من یک زن قاضی نمی‌تواند تابع احساس باشد چون تصمیم او را خدشه‌دار می‌کند و خدای ناکرده حقی را ضایع می‌کند. جامعه ما به قاضی زن احتیاج دارد همچنان که به پزشک زن، معلم زن و وکیل زن احتیاج دارد. قسمتهایی در دادگستری وجود دارد که وجود زن قاضی در آن یک نیاز مسلم است. مثلاً اداره امور سرپرستی. من ۱۸ سال از خدمت قضایی‌ام را در این اداره گذرانده‌ام. جایی است که شما از کسانی دفاع می‌کنید که خود قادر به دفاع از خود نیستند مثل کودکان و مجانین. یار و یاور زنانی می‌شوید که با قانون آشنا نیستند و شما از حقوق فرزندان آنها دفاع می‌کنید و تصمیم می‌گیرید. زنهایی که به این کار مقدس اشتغال دارند از قدرت فراوانی برای بررسی پرونده‌ها برخوردارند. خوشبختانه در حال حاضر قوه قضائیه ارزش و مقام زن را در این کادر شناخته و مورد توجه قرار داده و در سالیان اخیر زنان توانسته‌اند مشاغلی چون معاونت ریاست کل دادگستری استان تهران و معاونت مجتمعهای قضایی را احراز کنند که جا دارد در اینجا از مسئولین محترم سپاسگزاری کنم و یاد و خاطره همکار ارزنده‌مان سرکار خانم نجفی‌زاده را گرامی بدارم که سمت معاونت ریاست کل دادگستری استان تهران را بر عهده داشت و در آخرین روزهای سال ۷۶

بدورد حیات گفت. زحمات و خدمات ایشان هیچگاه فراموش نمی‌شود. مسئله قضاوت زنان یکی از مسائل مهم اجتماعی است که دیدگاههای مختلفی نسبت به آن وجود دارد. پس از پیروزی انقلاب با روشن‌بینی مقام محترم قوه قضائیه و وزارت دادگستری زنان قاضی جایگاهی برای خود در کادر قضایی پیدا کردند ولی این مقدار کافی نیست زیرا زنان در حال حاضر نمی‌توانند تصدی محکمه را بر عهده داشته باشند. لازم است که در این زمینه مطالعات فقهی صورت بگیرد تا صحیحترین راه انتخاب شود. در مورد قضاوت زنان در دادگاه به معنای خاص کلمه بین فقهاء اختلاف نظر وجود دارد. به عنوان مثال شیخ طوسی برای قاضی ویژگیهای کمال، علم و عدل را لازم می‌داند. علامه حلی از فقهایی است که معتقد است قاضی باید مرد باشد و زن نمی‌تواند قاضی شود. محقق اردبیلی در مسئله جنسیت برای قضاوت شک کرده است و می‌گوید دلیلی وجود ندارد که ثابت کند قاضی باید مرد باشد. بنابراین برای رفع این معضل بررسی فقهی گسترده‌ای طلب می‌شود که چنانچه دارد علمای عظام و معاصرین امر را مورد بررسی قرار دهند. اگر مسئله شرعی احراز تصدی محکمه حل شود باید پذیرفت که زنان قادرند به قضاوت در محکمه نیز اشتغال ورزند. اضافه می‌کنم شخص من زمانی که بازپرس بودم و یا تصدی محکمه و یا در سایر مشاغل هیچگاه تحت تأثیر احساسات قرار نکرتم. به هر صورت فکر می‌کنم که اجرای عدالت بسیار بالاتر از آن بوده است که احساسات زن قاضی در این مسئله مدخلیت داشته باشد.

- لطفاً در مورد احساسات و یا احساسی که می‌گویید در دادن حکم نباید دخالت داشته باشد بفرمایید.

- به نظر من هر انسانی با داشتن احساسات شایسته مقام انسانی خواهد بود. مرد و زن هر دو دارای احساسات هستند. من نمی‌دانم منظور از این احساسات چیست. چون در طول سی سال خدمت احساسی که بتواند مرا از تصمیم‌گیری صحیح و یا تشخیص حق از باطل باز دارد تجربه نکردم که اکنون بتوانم برای شما این احساسات را تعریف کنم. بهتر است از کسانی که این امر را مانع قضاوت زنان می‌دانند بپرسید من نمی‌دانم.

- مهمترین مشکل زنان را چه می‌دانید و چگونه

باید در حل آن کوشید؟

- سؤال بسیار جالب و قابل تعمق است. من مهمترین مشکل زنان را عدم آگاهی آنان از حقوقی که دارند می‌دانم. به عنوان یک زن حقوقدان در دادگستری اشک بسیاری از زنان را دیده‌ام. با دردها و مشکلات آنها آشنایی تنگاتنگی دارم. معتقدم آنچه که زنان ما را دچار مشکل می‌کند آنست که با حقوق و تکالیف خود آشنایی ندارند. من مشکل در خانواده را فقط مشکل زنان نمی‌دانم. مشکل مردان هم هست. مشکل فرزندان هم هست. مشکل فرهنگی و اجتماعی است والا قانون ما در کوچکترین مسایل وارد شده است. به عنوان مثال در قانون مدنی حقوق و تکالیف زوجین نسبت به یکدیگر و تکالیف والدین نسبت به فرزندان معین شده است و هر یک از آنها باید بدانند در خانواده چه حقی دارند و چه تکلیفی. من معتقدم اگر اعضای یک خانواده به این حقوق و تکالیف آشنایی داشته باشند بالطبع بسیاری از مشکلات در خانواده به وجود نمی‌آید. بنابراین من به همه اعم از زن و مرد، پسر و جوان و پسر و دختر توصیه می‌کنم که حتماً خود را به مطالعه قوانین عادت دهند طبیعتاً آگاهی به قوانین بسیاری از مشکلات را حل خواهد کرد. یک توصیه هم به آموزش و پرورش دارم که آموزش حقوق به زبان ساده را از مدارس شروع کنند. دختران و پسران، باید بدانند که هر یک چه حقوق و چه تکالیفی دارند. این آموزش باعث خانواده و یا ورود به اجتماع اقدام کنند. بررسی بسیاری از ناهنجاریهای اجتماعی جوانان نشان از عدم اطلاع آنان به قانون است. به نظر می‌رسد اگر از قانون اطلاع داشتند بسیاری از ناهنجاریها مثل قتل، فرار از مدرسه و خانه و غیره به وجود نمی‌آمد تا هم زندگی خود را ساقط کنند و هم زندگی دیگران را.

- با توجه به سرگردانی زنان در محاکم، نقش وکلای زن را در رسیدگی به پرونده‌های زنان

تا چه مؤثر می‌دانید؟

- بسیار مؤثر می‌دانم. من معتقدم چنانچه کار به کاردان سپرده شود مسئله‌ای به نام سرگردانی برای زنان در محاکم به وجود نخواهد آمد. زنان زمانی در راهروهای دادگستری و پشت دادگاهها سرگردان خواهند بود که کار به دست کاردان سپرده نشده باشد.



● در طول سی سال خدمت احساسی که بتواند مرا از تصمیم‌گیری صحیح و یا تشخیص حق از باطل باز دارد، تجربه نکردم.

ماده نبود. چون ماده به طور اعم ذکر شده بود. شاید هم اصلاح این ماده برای راهنمایی و هدایت قضات بوده است که از اعمال سلیقه خودداری شود و راه را برای آنها در اتخاذ تصمیم باز بگذارد. البته این جای تشکر دارد که قوه مقننه و قضائیه با یکدیگر برای حل معضلات افراد جامعه همکاری می‌کنند اما در همین جا از قضات محترم استعفا دارم که در تعیین مصادیق فقط به موارد ذکر شده در ماده اصلاحی اکتفا نکنند. چون آنچه مسلم است این است که موارد دیگری هم وجود دارد که از مصادیق انحطاط اخلاقی والدین است که در این ماده بیان نشده و بنابراین آنچه که در اتخاذ تصمیم برای حضانت طفل باید مورد نظر دستگاه قضایی باشد همانا مصلحت کودک است.

در مورد مصوبه بعدی، مجلس شورای اسلامی قانون الحاق یک تبصره به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی را تصویب کرد. متن ماده چنین است: «به مجرد عقد زن مالک مهر می‌شود و می‌تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بنماید.» تبصره‌ای که به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی الحاق شد، چنین می‌گوید: «چنانچه مهریه وجه رایج باشد متناسب با تغییر شاخص قیمت سالانه زمان تأدیه، نسبت به سال اجرای عقد که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌گردد محاسبه و پرداخت خواهد شد مگر اینکه زوجین

بنابراین اگر ما فرهنگ مراجعه به وکیل دادگستری را در حل مشکلات و معضلات خود داشته باشیم در محاکم سرگردان نخواهیم شد. به نظر من وکلای زن مانند قضات زن از دانش، آگاهی، تعهد، تقوا و صداقت بالایی برخوردارند و می‌توان به آنها اعتماد کرد. آنها بازوهای راستین عدالت هستند و زنان ما در صورتی که به این وکلا مراجعه کنند نتیجه مطلوبتری خواهند گرفت.

- نظر شما راجع به مصوبات اخیر مجلس شورای اسلامی نظیر اصلاح قانون حضانت، طرح دیون متوفی و مهریه به نرخ روز چیست؟

- در ماده ۱۱۷۲ قانون مدنی پیشین در مورد حضانت آمده است: «هرگاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت اوست صحت جسمانی و یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد، محکمه می‌تواند به تقاضای اقربای طفل یا به تقاضای قیم او یا به تقاضای مدعی العموم هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند، اتخاذ کند.» در ماده مذکور، مصادیق انحطاط اخلاقی پدر یا مادر ذکر نشده بود. در ماده اصلاحی جدید مواردی ذکر شده است که از مصادیق انحطاط اخلاقی است مثل جرح و ضرب خارج از حد، وادار کردن فرزند به اعمال ناشایست و غیره. اما به نظر می‌رسد لزومی به اصلاح این

در حین اجرای عقد به نحو دیگری تراضی کرده باشند.» نکته حائز اهمیت در خصوص تصویب این تبصره که می‌توان به آن پرداخت آنست که بین حقوقدانها در خصوص اجرای مفاد این تبصره اختلاف نظر وجود دارد. برخی معتقدند که این تبصره در مورد مهریه‌های معینه در عقود قبل از تاریخ تصویب آن اعمال نمی‌شود چه به موجب ماده ۴ قانون مدنی: «اثر قانون نسبت به آتی است و قانون نسبت به ماقبل خود اثر ندارد مگر اینکه در خود قانون، مقررات خاصی نسبت به این موضوع اتخاذ شده باشد.» اما عده‌ای دیگر از حقوقدانان می‌گویند مفاد این تبصره نسبت به مهریه‌های معینه قبل از تصویب این قانون هم قابل اعمال است زیرا در این تبصره به تأدیه مهریه نسبت به سال اجرای عقد اشاره شده است. گروه اول معتقدند در این قانون باید کلمه عطف به ما سبق شدن قید می‌گردید زیرا منظور قانونگذار از مقررات خاصی که در ماده ۴ قانون مدنی به آن اشاره کرده است ذکر عطف به ما سبق شدن است والا قانون اثری نسبت به گذشته نخواهد داشت لذا معتقدند نمی‌توان مهریه‌هایی را که مثلاً در پنجاه سال پیش مبلغ ۵۰ هزار ریال تعیین شده است با شاخص قیمت سالیانه تعیین نمود. چنانکه می‌بینیم عدم ذکر عطف به ما سبق شدن در این تبصره ایجاد دوگانگی در پرداخت

● رعایت مسایل اخلاقی و ایمانی می‌تواند خانواده را از اختلاف و تنش نجات دهد.

مهریه‌هایی می‌کند که در آن وجه قید نموده‌اند. چه بعد از تصویب این قانون در صورتی که مهریه وجه رایج باشد با تغییر شاخص قیمت سالانه تقویم می‌شود اما مهریه‌هایی که قبل از تصویب این قانون بوده است، همان وجه مندرج در عقد نامه را قابل پرداخت می‌داند. به نظر می‌رسد که منظور از پیشنهاد دهندگان این تبصره به مجلس برآورده نشده است که همانا حمایت از زنانی است که با مهریه‌هایی ناچیز در سالهای گذشته ازدواج کرده‌اند. بنابراین پیشنهاد می‌کنم قبل از آنکه اجرای این تبصره موجب صدور آرای متفاوت از دادگاهها و اظهارنظرهای متناقض قضایی بشود، ترتیبی اتخاذ شود که از این تبصره رفع ابهام شده و

قضات دادگستری در اتخاذ تصمیم دچار تردید نشوند.

مسئله دیگر رد طرح اصلاح ماده ۸۶۹ قانون مدنی است که در شور اول کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی مورد تصویب قرار نگرفت. متن ماده چنین است: «حقوق و دیونی که به ترکه میت تعلق می‌گیرد و باید قبل از تقسیم آن ادا شود به قرار زیر است: ۱- قیمت کفن میت و حقوقی که متعلق است بر اعیان ترکه مثل عینی که متعلق رهن است. ۲- دیون و واجبات مالی متوفی ۲- وصایای میت تا ثلث ترکه بدون اجازه ورثه و زیاده بر ثلث با اجازه آنها»

آنچه که تقاضای اصلاح آن شده بود بند ۲ ماده

● زنان ما به سبب آنکه با حقوق و تکالیف خود آشنایی ندارند، دچار مشکل می‌شوند.

فوق‌الذکر است که در یک پیرانتز جمله مهریه و اجرت المثل به آن اضافه شده بود.

مذاکرات جلسه علنی مجلس شورای اسلامی حکایت از آن دارد که ضرورت دیده نشد که این دو مطلب اضافه شود برای اینکه مهریه اولاً خودش جزو دیون است و آنهم جزو دیون ممتازه. چون زمانی که نکاح منعقد می‌شود مهریه باید همان موقع ادا شود از اینرو مهریه جزو دیون و واجبات مالی متوفی است و این نیازی به تصریح و ذکر ندارد لذا دلیل رد طرح را ممتاز بودن مهریه نسبت به دیون دیگر می‌دانند. اما در اینجا بایستی ذکر کنم در اینکه مهریه جزو دیون ممتازه است شکی نیست اما نه کل مبلغ و میزان مهریه، بلکه فقط تا ده هزار ریال. چون ماده‌ای که دیون ممتازه متوفی را برمی‌شمارد ماده ۲۲۶ قانون امور حسبی است که پس از ذکر طبقات طلبکاران، نفقه و مهریه زن را تا ده هزار ریال جزو دیون ممتازه اعلام می‌دارد. برای روشن شدن امر ماده ۲۲۶ قانون امور حسبی را بیان می‌کنم: «ورثه ملزم نیستند غیر از ترکه چیزی به بستانکاران بدهند و اگر ترکه برای اداء تمام دیون کافی نباشد ترکه ما بین تمام بستانکاران به نسبت طلب آنها تقسیم می‌شود مگر اینکه آن را بدون شرط قبول کرده باشند که در این صورت مطابق ماده ۲۲۶ مسئول خواهند بود. در موقع تقسیم، دیونی که

به موجب قوانین دارای حق تقدم و رجحان هستند رعایت خواهد شد، بستانکاران زیر هر یک به ترتیب حق تقدم بر دیگران دارند: به طور خلاصه قانونگذار حقوق خدمه خانه و حقوق خدمتگزاران متوفی را جزو طبقه اول، طلب اشخاصی که مال آنها به عنوان ولایت و قیمومیت تحت اداره متوفی می‌باشد طبقه دوم و مطالبات پزشکی و داروفروش متوفی و خانواده‌اش در طبقه سوم قرار داده است و در بیان طبقه چهارم که باز هم عیناً آن را می‌آورم می‌گوید: الف- نفقه زن مطابق ماده ۱۲۰۶ قانون مدنی. ب- مهریه زن تا میزان ده هزار ریال.

بنابراین آنچه که به نظر من لازم بوده است که اصلاح شود بند ب از طبقه چهارم ماده ۲۲۶ قانون امور حسبی است نه بند دو ماده ۸۶۹ قانون مدنی. چه قانون مدنی به طور عام دارای دیون و واجبات مالی متوفی را مورد نظر قرار داده است و ماده‌ای که چگونگی استیفای دین از ترکه را بیان می‌دارد ماده ۲۲۶ قانون امور حسبی است. لذا پیشنهاد می‌شود که مسئولین مربوطه طرح یا لایحه اصلاح بند ب ماده ۲۲۶ قانون امور حسبی را به مجلس شورای اسلامی تقدیم کنند.

- نظررتان راجع به بازنگری و اصلاح برخی از مواد قانون مدنی چیست؟

- مسئله بازنگری و اصلاح قانون مدنی از مواردی است که بسیار مورد توجه حقوقدانها و کسانی که دست‌اندرکار مسایل حقوقی زنان هستند می‌باشد. حدود دو سال پیش از طرف دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری که من به عنوان نماینده وزارت دادگستری مدت متجاوز از ۵ سال با آنها همکاری داشته‌ام طرح بازنگری مواد قانونی به من پیشنهاد شد و تحقیق جامعی در این خصوص انجام گردید البته نه از نظر جنبه فقهی آن بلکه با توافقی که با شورای فرهنگی - اجتماعی زنان صورت گرفت مقرر شد امر فقهی را آنها بر عهده داشته باشند و پس از تحقیقات، پژوهشهای دو طرف جمع و بهترین راه حل ارائه شود. در خصوص تحقیقی که بر عهده من بود ضروری است بگویم این کار تحقیقی از دیدگاه حقوقی، روان‌شناسی و آسیبهای اجتماعی بررسی شده است که جا دارد از تمامی همکارانم تشکر کنم. ان‌شاءالله با انجام بررسی مواد قانون مدنی از دیدگاه فقها که شورای فرهنگی - اجتماعی زنان متقبل آن شده است به این نتیجه برسیم که چه اصلاحاتی

به نفع خانواده و جامعه خواهد بود.
- چقدر مطالعه می‌کنید و به کدامیک از رشته‌های حقوق بیشتر علاقمندید؟

- اوقات فراغت من با خواندن کتاب و یا نوشتن می‌گذرد و بین رشته‌های حقوق به علوم جزا بیشتر علاقمندم کما اینکه فوق لیسانس خود را در علوم جزا گرفتم از اینرو برای من کار در بازپرسی بسیار جذاب و بسیار شیرین است.

یکی از علایق من دیدن فیلمهای پلیسی است.
- ایجاد واحد امداد و ارشاد خانواده را در جوار محاکم خانوادگی و حضور مشاور زن در دادگاهها را تا چه حد برای زنان مفید می‌دانید.

- ایجاد چنین واحدی در جوار محاکم خانوادگی را ضروری می‌دانم. چه معتقدم که ایجاد چنین واحدهایی با وجود افراد متخصص در امور مددکاری اجتماعی، کارشناس حقوقی و حتی روان‌پزشک و روان‌شناس می‌تواند از بروز بسیاری از طلاقها جلوگیری کند و علاوه بر آن راهنمای خانواده‌ها باشد نه الزاماً برای مراجعه به دادگاه برای طلاق یا تعیین تکلیف برای حضانت بلکه برای رسیدگی به مشکلات خانوادگی و حتی اجتماعی. به نظر من باید اینگونه مراکز بسیار متعدد و با کادری بسیار آگاه باشد. در اصلاح مقررات مربوط به قانون طلاق نیز وجود مشاور زن ذکر شده است و همین امر در تبصره سه ماده واحده قانون اختصاص تعدادی از دادگاههای موجود به دادگاههای موضوع اصل ۲۱ قانون اساسی که در تاریخ ۷۶/۵/۸ به تصویب مجلس شورای

● بسیاری از ناهنجاریهای اجتماعی جوانان مثل قتل، فرار از مدرسه و خانه و غیره، بدین علت است که آنها از قانون اطلاع ندارند.

اسلامی رسیده است نیز مورد توجه قرار گرفته که در دادگاه خانواده حتی المقدور باید مشاور قضایی زن حضور داشته باشد و با حضور وی دادگاه شروع به رسیدگی نماید و قاضی بعد از مشاوره با مشاوران قضایی زن حکم صادر کند که به نظر من این مصوبه بسیار خوبی است. حضور یک زن مشاور در دادگاه می‌تواند در تصمیم قاضی مؤثر باشد. بسیاری از زنان

● **قرارداد ازدواج از زمره قراردادهایی است که اخلاق نقش بسیار مهم و مؤثری در آن دارد.**

● **قانون آن هنگام به کار می آید که افرادی را جز به زور به هیچ منطقی تسلیم نمی شوند به پذیرش عدالت وادار می کند.**

در شماره گذشته گفته شد که جهل به قانون، برآزنده شما نیست و لازم است زنان با کسب اطلاعات و آگاهی‌های حقوقی با حقوق و تکالیف خود آشنا شوند تا در هنگام برخورد با مسائل و مشکلات زندگی کمتر آسیب دیده و سنجیده‌تر عمل کنند. وعده کردیم که از این شماره آموزش حقوق آغاز می‌شود. اگر شما نیز پس از مطالعه این مطالب پرسشی برایتان مطرح شد، آن را به نشانی مجله حقوق زنان بفرستید تا پرسش شما را که کارشناسان حقوقی مجله پاسخ گفتند برایتان ارسال یا چاپ کنیم.

نخست به سراغ قانون مادر، قانون اساسی می‌رویم و سپس قانون مدنی را می‌کشاییم و بحث خواستگاری را شروع می‌کنیم.

نگاه قانون اساسی^(۱) به زن

قانون اساسی در مقدمه خود با عنوان «زن در قانون اساسی» اینگونه به شأن و کرامت زن می‌پردازد:

«در ایجاد بنیادهای اجتماعی اسلامی، نیروهای انسانی که تاکنون در خدمت استثمار همه جانبه خارجی بودند هویت اصلی و حقوق انسانی خود را باز می‌یابند و در این بازیابی طبیعی است که زنان به دلیل ستم بیشتری که تاکنون از نظام طاغوتی متحمل شده‌اند استیفای حقوق آنان بیشتر خواهد بود. خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده زمینه‌ساز اصلی حرکت تکاملی و رشد یابنده انسان است اصل اساسی بوده و فراهم کردن امکانات جهت نیل به این مقصود از وظایف

خانوادگی و محیط پرتنش خانوادگی نجات می‌دهد رعایت مسایل اخلاقی و ایمانی و احترام و عشق به افراد خانواده است. چه قانون بعضاً مواردی را مثل سوء معاشرت زوجین و یا طلاق به دست مرد و یا موارد مربوط به حضانت بیان کرده است ولی این موارد در شرایط اختلاف در خانواده است. در حالی که اگر به اخلاق و مذهب پایبند باشیم و پیرو دستورات قرآن کریم که در همه ابعاد زندگی ما را هدایت می‌کند، باشیم، هیچگاه روابط ما به اختلاف منجر نخواهد شد و راهی دادگستری نمی‌شویم. چون تعدادی از قوانین و مواد قانونی ضمانت اجرای لازم را ندارد مثل تمکین. هیچ زنی را نمی‌توان وادار کرد که فرضاً از شوهر خود تمکین کند. یا اینکه مردی بین دو زن خود عدالت قلبی برقرار کند. اگر چنین مردی قرآن را درک کند می‌فهمد که به عدالت قلبی دست نخواهد یافت لذا مسئله تعدد زوجات منتفی خواهد شد. به هر صورت من معتقدم در کنار تضمین‌های قضایی و قانونی که وجود دارد برای حمایت از خانواده برخورداری از اخلاق و ایمان می‌تواند ما را در داشتن خانواده‌ای سالم هدایت و راهنمایی کند.

- در خاتمه آیا توصیه‌ای هم جهت رعایت حقوق زنان به مردان دارید؟

- من معتقدم که همیشه هم زنها مظلوم نیستند. گاهی هم مردان مظلومند. ما بیائیم مسائل و مشکلات زن و مرد را به عنوان دو انسان که از نظر خلقت با یکدیگر متفاوت هستند اما از نظر رابطه زندگانی می‌بایستی که در کنار هم و با هم باشند را مورد بررسی قرار دهیم. گمان نکنیم که همیشه زنها مورد ستم هستند اگر چنین فرض کنیم آنوقت مردها می‌گویند چرا پای درد دل ما نمی‌نشینید. ما هم گاهی مورد ظلم هستیم. من معتقدم اگر مردی معتقد به رعایت حقوق زن باشد که لازمه آن آگاهی کافی از حقوقی است که یک زن دارد، هیچوقت حق زن یا دختر خود را پایمال نخواهد کرد. زیرا همین مرد مادر و خواهر دارد و طبیعتاً نمی‌خواهد که حقوق آنها توسط پدر یا شوهر خواهرش ضایع شود. بنابراین این آگاهی را باید همه - زن و مرد - داشته باشند تا هیچ حقی تضییع نشود.

- با تشکر از جنابعالی □

مراجعه کننده به دادگاه معتقدند که بسیاری از اسرار زندگیشان را که نمی‌توانند با قضات مرد در میان بگذارند به راحتی برای خانم مشاور در میان گذاشته‌اند. همچنانکه در مورد سئوالی که در مورد وکلای زن پرسیده بودید و به آن اشاره کردم طبیعتاً خانمهای مشاور با آگاهی از مسایل خصوصی‌تر از زندگی فرد می‌توانند ضمن شرح آن برای قاضی، دادگاه را در تصمیم‌گیری صحیح یاری دهند. امیدوارم روزی برسد که در هر یک از دادگاههای خانواده یک زن قاضی حضور داشته باشد.

- زنان در مراجعات خود مکرر از بینش و منش قاضی در رسیدگی به پرونده‌اشان می‌گویند. به نظر شما قاضی رسیدگی کننده به پرونده‌های خانوادگی باید چه ویژگی داشته باشد؟

- در قانون آمده است که قضات دادگاه خانواده باید متأهل و حداقل چهار سال سابقه خدمت قضایی داشته باشند. این تأکید به نظر من اقدام ارزنده‌ای است چه علاوه بر اینکه در این قانون مشخص شده است که یک نفر زن قاضی به عنوان مشاور در دادگاه باشد شرایط قاضی دادگاه خانواده را هم بیان کرده است. اما من معتقدم که شاید چهار سال سابقه خدمت قضایی کافی نباشد. رسیدگی به مسائل خانوادگی و صدور حکم احتیاج به تجربه بیشتر و صبر و حوصله فراوانی دارد که این مهم حاصل تجربه بیشتر خواهد بود. به نظر من قضات دادگاه خانواده حداقل باید ده سال سابقه کار قضایی داشته باشند چه بهتر می‌توانند در امور خانوادگی اتخاذ تصمیم کنند. قاضی با چهار سال سابقه هنوز جوان است و شاید خود تجربه چندانی از زندگی خانوادگی نداشته باشد. علاوه بر سابقه کار قضایی معتقدم که خود قاضی نباید دچار مشکلات و اختلافات خانوادگی باشد بلکه باید یک شوهر و پدر نمونه بوده و اصولاً خانواده او از اختلافات بدور باشند و الا نمی‌تواند بیطرفانه قضاوت کند.

- با توجه به تجربه‌اتان چه توصیه‌ای به زنان دارید تا به تفاهم خانواده آنها کمک کند و کمتر گذرشان به دادگاه بیفتد.

- شخصاً معتقدم آنچه که ما را از اختلافهای